

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه
سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۶ هـ ش / ۱۴۳۹ هـ ق / ۲۰۱۷ م، صص ۴۵-۶۳

فلسطین در شعر سید علی موسوی گرمارودی و علی فوده^۱

حسین تک‌تبار فیروزجائی^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران

علی عادللی^۳

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، ایران

چکیده

در برهه کنونی تحت تأثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی مردمان مشرق‌زمین، ادبیات مقاومت به عنوان شاخه‌ای از ادبیات متعهد - که در نتیجه عواملی چون ظلم، تجاوز، استبداد، اختناق و دیگر مسائل شکل گرفته و دلآوری‌ها و پایداری‌های مبارزان را ثبت نموده - در ادبیات زبان‌های گوناگون جایگاه ویژه‌ای یافته است که از برجسته‌ترین نمونه‌های آن، ادبیات مقاومت فلسطین است. ادبیات کسانی که پرداختن به مقاومت فلسطین، مهم‌ترین بن‌مایه‌های شعر آنان را تشکیل می‌دهد؛ شاعرانی چون «سید علی موسوی گرمارودی» و «علی فوده» که همگام با دیگر شاعران، با انتخاب سلاح قلم و به تصویر کشیدن زندگی دردناک فلسطینیان، به مسئولیت خود جامعه عمل پوشاندند و از این رو، شناخت ویژگی‌های شعری آنان ضروری به نظر می‌رسد. این جستار، کوشیده است با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بر اساس مکتب آمریکایی در ادبیات تطبیقی، به بررسی جلوه‌های پایداری در اشعار این شاعران پردازد و روش آنان را در نشان دادن مظلومیت و مقاومت فلسطین و ظلم صهیونیسم و یهودیت نشان دهد تا باشد که بارقه امید برای مبارزین عرصه پایداری قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو شاعر، به دنبال اعلام موجودیت و هویت فلسطین‌اند؛ دعوت به مقاومت، مبارزه با یهودی‌سازی، توصیف دشمنان و آگاهی‌بخشی به نسل آینده، از مهم‌ترین موضوعات شعری آنان است و پیروزی نهایی را در گرو اتحاد مسلمانان، بیداری ملت‌های عرب و پایداری مردم فلسطین می‌داند.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، ادبیات پایداری، مقاومت فلسطین، سید علی موسوی گرمارودی، علی فوده.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۲۵

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۷

۲. رایانامه نویسنده مسئول: h.taktabar@yahoo.com

۳. رایانامه: aliadeli70@gmail.com

۱. پیشگفتار

ادبیات مقاومت، شاخه‌ای از ادب متعهد است که محتوای آن در جهت منافع و خواسته‌های یک نظام حاکم مستبد نباشد. این نوع ادبیات، باید «هدفمند و تعلیمی بوده و برای القای موضوعی که مورد نظر شاعر است، نوشته شود و به مخاطبانش پیام‌دهنده‌ای در برابری نظام‌های مستبد بایستند» (بصیری، ۱۳۷۶: ۲۰). هر نوع رویارویی انسان که در قالب شعر و نثر پدید آید را می‌توان ادبیات پایداری نامید؛ «بنابراین، ادبیات پایداری، مجموعه‌آثاری است که با زبانی هنرمندانه از پلشتی‌های حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پرده برمی‌دارد و به مبارزه و پایداری در برابر جریان‌های ضد آزادی تشویق می‌کند» (ر.ک: شکر، ۱۳۶۶: ۱۱).

از آنجا که ادبیات فارسی و عرب از دیرباز دارای خصوصیات مشترکی بوده و موضوع مقاومت فلسطین در برابر استبداد، این ویژگی‌های مشترک را بیش از پیش کرده است؛ نگارندگان درصددند تا جلوه‌های مقاومت فلسطین در اشعار موسوی گرمارودی^(۱) را - که خود انقلابی را تجربه کرده و به خوبی از توطئه‌های استکبار و صهیونیسم آگاه است - با اشعار علی فوده^(۲) - که اوضاع نابسامان ملت خود را نظاره‌گر بوده و به اجبار سرزمین خود را ترک کرد و در تبعید به حمایت از ملت مظلوم سرزمینش برخاست - مقایسه نمایند؛ چراکه هر دو شاعر، مانند حامی و ناقدی اجتماعی، به انتقاد از وضع موجود عرب و سکوت و سستی آن‌ها در برابر مستکبران صهیونیسم پرداخته، پیروزی نهایی را در گرو وحدت ملت فلسطین و عرب‌ها و مسلمانان دانسته و در سروده‌های خود به شیوه‌های مختلف این امر را متذکر شده‌اند.

۱-۱. تعریف موضوع

موسوی گرمارودی و علی فوده با سرودن چکامه‌های پایداری و آیینی از هنرمندان فعال و تأثیرگذار عرصه ادبیات متعهدند. اشعار آنان در واقع از زیباترین پایداری‌ها و بازتاب فریاد مردمی است که در مقابل بیدادها و بی‌عدالتی‌ها و زشت‌خوترین واپس‌گرایی‌ها از مرز کهکشان‌ها گذشته‌اند. آن‌ها با گنجانیدن مفهوم تعهد سیاسی و انقلابی در شعر و با تصویرسازی انواع شخصیت‌ها و حوادث و پیوند دادن آن به شخصیت‌ها و حوادث عرصه دفاع مقدس، فلسطین و انقلاب به شعر ارزش‌های والایی بخشیده‌اند. هم‌زمان با اشغال فلسطین به دست یهودیان و قدرت یافتن آنان و بیرون راندن عرب‌زبانان و فلسطینیان از سرزمینشان و سکوت سران و بزرگان عرصه سیاست و قدرت کشورهای عربی، شرایط جدیدی برای فلسطینیان ایجاد شد و رنج روزافزون نصیب آنان گشت. در اثر این وضع، ادیبان بر آن شدند تا سلاح قلم برگزینند و با آفرینش آثار ارزشمند، به دفاع از ملت مظلوم فلسطین و هویت آنان به‌پا خیزند تا بدین‌گونه، رسالت خود را به انجام

رسانند. در این میان، نقش شاعران فلسطین همچون علی فوده و شاعران حامی فلسطین در کشورهای دیگر از جمله علی موسوی گرمارودی، در به تصویر کشیدن زندگی دردناک فلسطینیان، دعوت به مبارزه با یهودیت، ایجاد روحیه امید در ملت و آگاهی بخشی از اهداف دشمن، بسیار برجسته است. پژوهش حاضر بر آن است تا به ارزیابی و بررسی تطبیقی این بن‌مایه‌ها در دیوان این دو شاعر بپردازد.

۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف

گسترش دامنه استعمار و استعمار، سبب گسترش مفهوم مقاومت در ادبیات معاصر شده و دامنه این نوع ادبی در میان انواع ادبی گوناگون و به‌ویژه در ادبیات معاصر ایران و عرب وسعت زیادی یافته است. در این میان، تبیین و ارزیابی جلوه‌های مقاومت فلسطین در اشعار موسوی گرمارودی و علی فوده و مقایسه آن‌ها با یکدیگر از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چراکه شباهت‌های فراوانی در دیوان شعری آن‌ها وجود دارد و هر دو مانند حامی و ناقدی اجتماعی، به انتقاد از وضع موجود عرب و سکوت و سستی آن‌ها در برابر مستکبران صهیونیسم پرداخته‌اند که بررسی تطبیقی آن، ما را با مبانی و شاخصه‌های ادبیات مقاومت در دنیای معاصر ایران و عرب و چگونگی مواجهه شاعران و ادیبان این مرز و بوم با استعمارستیزی و حمایت از فلسطین آشنا می‌سازد.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

- چه تفاوت عمده‌ای بین سبک شعری علی موسوی گرمارودی و علی فوده وجود دارد؟
- در حیطه ادبیات پایداری، چه مضامین مشترکی در دیوان علی موسوی گرمارودی و علی فوده به چشم می‌خورد؟
- شاعران یادشده، چه اهداف و آرمان‌هایی را دنبال می‌کنند؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

تا کنون پیرامون ادبیات پایداری و نقد و ارزیابی آن، کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نگاشته شده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. کتاب‌هایی چون: *ادب المقاومة اثر غالی شکری؛ فلسطین و شعر معاصر عرب اثر خالد سلیمان؛ مقاومت و پایداری در شعر عرب از موسی بیدج؛ الموت والحیة فی شعر المقاومة اثر قضی حسین، الأدب العربی المعاصر فی فلسطین اثر کامل السوافیری؛ الشعر الفلستانی فی نکتة فلسطین از عبدالرحمن الکیالی؛ دانشنامه فلسطین از مجید صفا تاج؛ فلسطین و شعر معاصر عرب از خالد سلیمان (۱۳۷۶)؛ مقاومت فلسطین از آغاز پیدایش صهیونیسم تا امروز از علی اکبر کسمائی (۱۳۵۳) و مقالاتی چون: «ادبیات مقاومت» از آیینوند (۱۳۷۰: ۳۴-۳۵)؛ «نقش زنان جوان فلسطینی در انتفاضه الأقصى» نوشته اسحاقی و حبیبی (۱۳۹۰:*

۱۰۹-۱۲۷)؛ «نمادهای پایداری در شعر معاصر عرب، مطالعه مورد پژوهانه: امل دنقل» نوشته سلیمی و چقادری (۱۳۸۸: ۷۱-۷۸)؛ «ادبیات مقاومت» ترجمه اسکندری (۱۳۷۶: ۷۹-۸۱)؛ «نمادهای پایداری زنان در شعر فدوی طوقان» نوشته احمدی چناری (۱۳۹۰: ۱-۲۳)؛ «فلسطین وتجلیاتها فی شعر فدوی طوقان المقاوم» نوشته مهری نژاد (۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۲۴)؛ «بازتاب انقلاب و مقاومت از منظر قیصر امین پور و سمیح القاسم» از نامداری و بابازاده (۱۳۹۵: ۱۱۰-۱۲۸)؛ و پایان‌نامه‌هایی چون: «ادبیات مقاومت و بازتاب آن در آثار سمیح القاسم» از ابویسانی (۱۳۸۲)؛ «ادبیات مقاومت در شعر فدوی طوقان» نوشته رضایی (۱۳۷۸)؛ «بازتاب رنج و اندوه انسان فلسطینی در شعر محمود درویش» از صولتی (۱۳۸۹)؛ «بررسی تطبیقی مضامین مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده و فدوی طوقان» نوشته احمري (۱۳۹۴) از نمونه این آثار است.

در مورد زندگی و آثار علی فوده، پژوهش‌های زیادی صورت نگرفته است. مقاله «کرامت نفس در آینه شعر شهید علی فوده شاعر مقاومت فلسطین» توسط میرقادری و کیانی (۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۶۱۱-۶۴۳)؛ و مقاله‌ای با عنوان «نگاهی تطبیقی به سیمای اسطوره‌های مبارزه ملی فلسطین و ایران در آینه شعر «علی فوده» و «علی موسوی گرمارودی»» نوشته میمندی و همکاران (۱۳۹۴) که در کنفرانس بین‌المللی ادبیات و پژوهش‌های تطبیقی ارائه شده از این نمونه است. پیرامون موسوی گرمارودی نیز اثری که از جلوه‌های مقاومت فلسطینی سخن به میان آورده باشد، یافت نشد. موضوع بررسی تطبیقی جلوه‌های مقاومت فلسطین در اشعار علی موسوی و علی فوده نیز چندان مورد توجه واقع نشده است.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

در دنیای امروز، ادبیات پایداری با موضوع فلسطین عجین شده و بخش عمده‌ای از شعر معاصر را از آن خود کرده است. «نبض شعر عرب، امروز با فلسطین می‌تپد؛ شاید بتوان شاعری یافت که در کشورهای عربی شعر بگوید و موضوع بخش عمده‌ای از شعرهایش را فلسطین تشکیل ندهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۵۰)؛ چراکه تاریخ معاصر عربی، شاهد بروز فاجعه‌ای به اسم اسرائیل است «و فاجعه فلسطین و سر بر آوردن رژیم صهیونیستی در منطقه، یکی از زشت‌ترین تراژدی‌های ممکن معاصر است» (غالی شگری، ۱۳۶۶: ۸۰). ابراهیم طوقان را پایه‌گذار شعر پایداری به شمار می‌آورند (ر.ک: روشنفکر، ۱۳۸۶: ۱۱۷)؛ ولی در دوره‌های پس از آن، دامنه شعر پایداری با محوریت مبارزه برای آزادی، چنان شاعرانی به خود دید که با جنبش‌های مشابه آن در روزهای آغازین غیر قابل قیاس است. ادیبان متعهد معتقدند شاعر باید به بیان مشکلات موجود در جامعه پردازد و در برابر کاستی‌ها و ظلم و ستم‌های موجود، ساکت نشیند. آنان «ادبیات را در خدمت انسانیت و جامعه دانسته و زمانی آن را ارزشمند می‌شمارند که به انسان و مشکلات او

توجه نماید و نیازهایش را به زیبایی بیان نماید» (نعیمه، ۱۹۷۵: ۳۵) و به دنبال رفع مشکلات مردم باشد؛ چراکه به گفته چخوف، انسان به عنوان محور هستی از احترام و جایگاه والایی برخوردار است (ر.ک: مرزوق، ۱۹۸۳: ۸۵). این دسته از شاعران، با چنین ایده و سبک فکری و به عنوان انسان‌های آزادی‌خواه، نمی‌توانند ستم و سلطه حاکمان و استعمارگران را نظاره‌گر بوده و عکس‌العملی نشان ندهند؛ بنابراین، در آثارشان ملت‌ها را به استقامت و پایداری، مبارزه با ظلم و بیداد و تجاوز و قیام در برابر استعمارگران و متجاوزان فرامی‌خوانند و اشعارشان، زبان بیان مظلومیت و شکایت ملت فلسطین است. ادبیات آنان، پیوسته با فریادهای عزت‌طلبی، کرامت و آزادی در همه ابعاد همراه بوده، و آینده‌ای روشن و پرامید را به فلسطینیان نوید می‌دهد که در آن اثری از سرکوب، وحشت، خفقان، استثمار، استعمار و آوارگی نباشد.

موضوع مقاومت فلسطین از چنان اهمیتی برخوردار است که خود یکی از مهم‌ترین عوامل شکست رمانتیسم در ادبیات عربی است. «بروز فاجعه فلسطین، به سهم خود موجب تغییر اساسی در نگرش‌ها و باورها شده بود» (اسوار، ۱۳۸۱: ۲۰) و در چنین شرایطی بود که برخی از شاعران و نویسندگان، رمانتیسم را مورد هجوم و انتقاد قرار داده (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۹) و مکتب رئالیسم را شکل دادند. علی موسوی گرمارودی و علی فوده، از جمله این شاعران هستند. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و در سایه ادبیات متعهد، به بررسی تطبیقی جلوه‌های مقاومت فلسطین و ارزیابی بن‌مایه‌های پایداری در اشعار شاعران یادشده بپردازد.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. مفاهیم مقاومت در اشعار علی فوده و علی موسوی گرمارودی

ادبیات متعهد، مظهر اندیشه‌های والایی بوده و پیام‌های ارزشمندی را برای تمامی مخاطبان ادبیات به ارمغان می‌آورد. دنیای امروز با پایداری ستم‌دیدگان روبه‌روست و ادیبان برجسته‌ای به انعکاس مفاهیم مقاومت در اشعارشان می‌پردازند و با پیام‌هایشان، روح امید و پیروزی را در جان انسان‌های خسته می‌دمند. از جمله این ادیبان، می‌توان به سید علی موسوی گرمارودی و علی فوده اشاره کرد که هنرشان را در خدمت انسانیت و بسط ایده‌های پایداری قرار داده و سعی در ترسیم رنج و مظلومیت مردم و بیان جنایات تجاوزگران داشته‌اند. آنان در آثارشان به مسائل مهمی چون غفلت ملت‌ها و حکومت‌های عربی، متحد نبودن مسلمانان، انتفاضه و حماسه فلسطینیان و مبارزه با یهودی‌سازی اشاره نموده، مبارزان راه آزادی را ستوده و از خائنان به شدت انتقاد کرده‌اند و به آزادی و پیروزی فلسطینیان چشم امید دوخته‌اند. استبدادستیزی، تشویق به مقاومت، وطن‌دوستی، تکریم مقام شهدا، آزادی و عدالت، ترسیم مظلومیت و آوارگی فلسطینیان و... از جمله

مضامین مشترک علی موسوی گرمارودی و علی فوده است که در ادامه پژوهش به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱-۱. تعلق به وطن و استبدادستیزی

به طور کلی، شاعرانی که از فلسطین شعر گفته‌اند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گروه اول، کسانی که در داخل سرزمین فلسطین فعالیت می‌کردند و شعرهایشان فقط ناله و تضرع نبود، بلکه از اشعارشان به عنوان سلاحی برای تسلیم دشمنان استفاده کرده و انقلاب‌های عظیم و رویدادهای سیاسی بزرگ را در جهان اسلام رقم زده‌اند؛ اما گروه دیگر، شاعرانی که بیرون از خاک فلسطین برای این سرزمین و فلسطینیان شعر می‌سرودند. این شاعران که به شاعران تبعید مشهورند، همواره از تعلق به وطن و استبدادستیزی سخن می‌گویند که با تضرع همراه است (ر.ک: کنفانی، ۱۹۶۶: ۳۵).

فوده نیز مانند گرمارودی، خارج از خاک فلسطین، به حمایت از مردم مظلوم فلسطین می‌پردازد و به صراحت از تعلق به وطن سخن می‌گوید:

«يا ذاهباً إلى وطني الحبيب/ عرج على أمي الحبيبة في التراب وقل لها: / إنَّ الغريب/ سيظلُّ طولَ العمرِ مهموماً غريب/ حتى يعود إلى الوطن...» (۲۰۰۳: ۱۳۹).

(ترجمه: ای که به سوی سرزمین دوست‌داشتنی من در حرکتی / راهت را به سوی مادر مهربان من که در خاک خفته کج نما و به او بگو: / شخص دورافتاده از وطن / زندگی‌اش را سرگشته و حیران در غربت به سر خواهد برد / تا اینکه روزی به سرزمینش بازگردد).

گرمارودی، تعلق به وطن را از زبان یک کودک فلسطینی این‌چنین بیان می‌دارد:

«من اهل قدس، اهل فلسطینم / در دست‌های کوچک من سنگ / بر دوش، یک فلاخن سنگ‌افکن / در دل هوای جنگ / در پیش روی دشمن...» (۱۳۸۳: ۳۰۴).

وی خود را به عنوان مبارز فلسطینی به عرصه شعر می‌آورد و تعلق به فلسطین را در سیمای یک کودک مبارز به تصویر می‌کشد.

فوده نیز در اشعارش آشکارا از تعلق به وطن و استبدادستیزی سخن می‌گوید:

«أما تدرين يا أمي بأيُّ عُدتُ للزيتون في بلدي/ لأخلع شوكة المصباح من كبدي/ وأغرس فوق قبرك زهرة النرجس...» (۲۰۰۳: ۸۳).

(ترجمه: مادر! آیا نمی‌دانی که من به خاطر زیتون (فلسطین) به سرزمینم بازگشتم / تا خار چراغ را از کبدم خارج کنم / و شکوفه نرگس را بر سر مزارت بکارم...)

او در این شعر، استبداد را که موجب تبعیدش شده است، محکوم می‌کند و فلسطین را سرزمین متعلق به

خود می‌داند که با بازگشتش، آن را از غاصب بازپس خواهد گرفت و آباد خواهد کرد؛ بنابراین، هر دو شاعر در شعر خود از تعلق به کشوری یاد می‌کنند که از سوی صهیونیسم مورد ظلم قرار گرفته و خواهان بیرون راندن دشمن از خاک فلسطین هستند؛ هرچند علی فوده روح و جسمی فلسطینی دارد، اما گرمارودی نیز روحی والا نسبت به خاک فلسطین را در خود پرورش داده است.

۲-۱-۲. توصیف دشمنان فلسطین

ترسیم چهره دشمن یکی دیگر از موضوعاتی است که در شعر شاعران مقاومت به شکل‌های متفاوت تجلی یافته است و در حقیقت، شاعران با بهره‌گیری از تشبیه‌ها، نمادها و رموزها، به توصیف و ابراز آن می‌پردازند که این نمادها، در نمایاندن چهره واقعی غاصبان تأثیر بسزایی دارد. از ویژگی‌های انسان مقاوم، شناختن چهره ظالم و شناساندن آن به دیگران است (ر.ک: صمود، ۱۹۹۵، ج ۶: ۱۲۸).

گرمارودی، دشمنان فلسطین را به سگ‌هایی تشبیه می‌کند که به فکر حمله به مردم مظلوم فلسطین‌اند و در جایی دیگر، آن‌ها را بوزینه‌هایی می‌داند که در این سرزمین سکنی گزیده‌اند و حاضر به ترک آن نیستند: «تا خشم مرا/ بر دشمنان قدس فروبارد، بر لشکر مهاجم غاصب: / سگ‌های زخم‌خورده شمعون/ بوزینه‌های صهیون...» (۱۳۸۹: ۳۰۴).

فوده نیز، دشمنان فلسطین را مگسانی می‌داند که اگر در برابر آن‌ها سکوت پیشه شود، به سرعت برای خوردن خون انسان حمله‌ور می‌شوند. در قسمت دیگر نیز دشمنان را سگانی می‌داند که آرامش ملت فلسطین را سلب کرده‌اند:

«أنا مُ عَلَى الرَّصِيفِ بدون أن أرتاب/ فأحلم أن سرب ذباب/ سیوفظنی... / سیوفظنی عواء کلاب/ فأهض مرة أخرى...» (۲۰۰۳: ۱۳۳).

(ترجمه: بدون اینکه بر چیزی شک کنم، در پیاده‌رو می‌خوابم/ و خواب می‌بینم که دسته مگس‌ها/ مرا بیدار خواهند کرد.../ پارس سگ‌ها مرا بیدار خواهد کرد/ پس دوباره برمی‌خیزم.)

وی در جای دیگر، چنین دشمنان و غاصبان سرزمین فلسطین را به تصویر می‌کشد:

«أشقق ألماناً حين أرى كلباً ينهشُ جثة غزّة/ سینا/ القدس/ الجولان...» (همان: ۲۵۹).

(ترجمه: آه عمیقی می‌کشم/ زمانی که می‌بینم سگی جسم غزه/ سینا/ قدس/ و جولان را به دندان می‌گزد...)

بنابراین، هر دو شاعر، دشمنان فلسطین را به جانوران تشبیه می‌کنند تا نشان دهند که دشمن غاصب، هیچ بویی از انسانیت نبرده است. آنان را وحشیانی می‌داند که شهوت خون‌خواری و خونریزی، دل‌هایشان را تسخیر کرده است؛ از سوی دیگر، با توصیف دشمن، روح تنفر و انزجار از وی را در دل ملت مظلوم فلسطین زنده نگه می‌دارند.

۲-۱-۳. غفلت ملت و حکومت‌های عربی

در شعر فلسطین پس از فاجعه ۱۹۴۸، لحنی حزن‌آلود و رمانتیک حکم‌فرماست که گویی تقریباً همه‌چیز برای شاعران تمام شده است (ر.ک: نجاریان، ۱۳۸۸: ۲)؛ پس از ۱۹۶۷ و همچنین پس از واقعه سپتامبر سیاه در سال ۱۹۷۰ و کشته شدن تعداد زیادی از مبارزان به دست نیروهای اردنی، مضامین جدیدی وارد شعر مقاومت شده و اهمیت این دوره از این روست که غافلان عرب از خواب غفلت بیدار می‌شوند و مسئله را جدی می‌گیرند؛ اما پس از این سال‌ها، نوعی خستگی و سرخوردگی در شعر و زندگی مردم به چشم می‌خورد؛ چرا که پس از شکست‌های متعدّد، جوّ ناامیدی بر همه‌جا حاکم می‌شود و بی‌تفاوتی کشورهای عربی نسبت به مسئله فلسطین، ادبیات را دربر می‌گیرد و شاعران به شکل‌های گوناگون، می‌کوشند تا عرب‌ها را از بحران فلسطین آگاه کنند (ر.ک: سلیمان، ۱۳۷۶: ۱۵۳). یکی از ویژگی‌های اشعار موسوی گرمارودی، استفاده نسبتاً گسترده از تلمیحات دینی و مذهبی است. وی تلمیحات را با انگیزه‌هایی چون روایت داستان‌های دینی و تاریخی، سیاسی و یا بیان افکار و عقاید خود به کار گرفته و بر آن بوده تا شعر را به عنوان منبع آگاهی برای مردم زمانه ارائه دهد (ر.ک: اباذری و ترکمانی، ۱۳۹۴: ۴۹).

این موضوع، به وضوح در اشعار گرمارودی قابل ملاحظه است:

«در چشم دوست نیز، / می‌پرسم: / آیا می‌شکند خواب؟» (۱۳۸۳: ۳۰۵).

وی به کنایه، به کشورهای عربی هشدار می‌دهد که باید از خواب غفلت برخاست.

فوده در این مورد می‌گوید:

«جنتکم طریداً... / جنتکموا... / فی دِمَائِی البرق / مُرَدِّهَا کَمَاءِ النّهر / جَنَّتْ أزلزل الأقدام / فاجائی دمی فی قلب «بیروت» الحبیبة / مَا تَحْرُکَ سَاکِنٌ فِیکم / وَقَفْتُمْ تَرَقِیوُنَ دَمِی المُرَاق / قَاه یَا دَمِی! ...» (۲۰۰۳: ۲۴۶).

(ترجمه: آواره سوی شما آدمم... / به سوی شما آدمم... / در خونم آذرخشی انبوه همچون آب سیل آسای رودخانه وجود داشت / آدمم تا گام‌ها را به حرکت در آورم / به ناگاه خونم مرا در دل «بیروت» عزیز قرار داد / و کسی از شما حرکتی نکرد / و شما جاری شدن خون مرا می‌دیدید / آه و افسوس ای خون من! ...)

وی به عنوان یک فلسطینی، به انتقاد از وضع موجود ملت عرب و سکوت و سستی آن‌ها در برابر سلطه‌جویان و به‌ویژه «اسرائیل» پرداخته است. او در ابتدا از آوارگی خود از جانب صهیونیسم سخن گفته سپس، از اشتیاقش برای ادامه مبارزه سخن به میان می‌آورد که به‌تنهایی قادر به آن نیست؛ بنابراین، خواهان همراهی ملت‌های عرب می‌گردد؛ ولی وقتی به علت ترس از صهیونیسم، او را تنها می‌گذارند، زبان به سرزنش آن‌ها می‌گشاید.

۴-۱-۲. ترسیم مظلومیت و آوارگی مردم فلسطین

آوارگی و مظلومیت ملت فلسطین یکی از موضوعاتی است که در شعر شاعران عرب و فارس بسیار به چشم می‌خورد. گرمارودی در اشعارش از آوارگی مردمی سخن می‌گوید که صهیونیست، اندوهی را در دل‌هایشان جاری کرده که چون نغمه همیشه رود ادامه دارد؛ اما مهم، صلابت این رودخانه است که اوج شکوه را برای آن رقم زده است؛ صلابتی که فلسطینیان را در اوج غم و آوارگی پایدار نگه می‌دارد:

به‌های‌های دل غمگسار، در گریه
به‌غم‌فزای و رسانغمه همیشه رود
به هر صلابت غم‌بار، هر بلندی و اوج
به هر چه هر چه که بشکوه و غمگن است درود
اگر چه مردمست آواره بیابان شد
اگر چه جسم تو در چنگ دشمنان فرسود

(۳۱۵:۱۳۸۳)

فوده در مظلومیت مردم فلسطین می‌گوید:

«یا وطنی - یا وطن التیران والجماع والحدید/ حین یطلّ وجهک الشّاحب من بعید/ محملاً بلوعة المشرّدین/ بکسرة الحنیز/ باللّهفة البعیدة القریبة...» (۲۰۰۳: ۴۰۹).

(ترجمه: ای وطنم؛ ای وطن شعله‌های آتش جنگ و درگیری و ای سرزمین گرسنگان/ هنگامی که چهره رنگ پریده‌ات از دور سوسو می‌زند/ و حرص و آرزو آوارگان در به دست آوردن تکه‌نان و آه و افسوس آنان بر گذشته، از رخ تو نمایان است...)

«أنا من أمة محرونة العینین ترقد جوف مُستشفى/ ولَسع السّوط یلهب ظهْرنا والجوع فی المنفى/ وخلف اللیل کم تسهز/ تفتّش عن شفّاء دون أن تشفی...» (همان: ۹۱)

(ترجمه: من از ملتی اندوهگینم که در دل بیمارستان‌ها می‌خوابند/ و اثر شلاق و گرسنگی در تبعید، پشت‌مان را آتش می‌زند/ و چه بسیار در دل شب بیدار می‌مانی/ تا مرهمی بیابی بدون اینکه التیام پیدا کنی...)

هر دو شاعر از زندگانی مردمانی سخن می‌گویند که در نهایت بدبختی از راه کمک‌های ملت‌های مختلف زندگی می‌کنند و در حقیقت آنچه می‌تواند آنان را راضی کند، نه چند لقمه غذا برای زنده ماندن، بلکه یک مسئله سیاسی و ملی است؛ مسئله ملتی که از وطن و سرزمین خود تبعید شده است.

۴-۱-۵. انتفاضه و عظمت حماسه فلسطین

پس از فاجعه سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۶۸ م، انتفاضه‌ای از مردم مسلمان فلسطین ایجاد شد که بیش از هر چیز، نتیجه شکنجه دیدن فلسطینیان مظلومی بود که زیر شکنجه‌ها، خون و هویتشان جاری می‌شد (ر.ک: روزبهانی، ۱۳۸۹: ۴۱). گرمارودی این گونه انتفاضه مردم فلسطین را به تصویر می‌کشد:

حماسه من و تو در کلام و شعر و سخن
حماسه‌های فلسطین ز خون و آتش و دود

(۳۱۵:۱۳۸۳)

«آری، / این سنگ‌هاست / اینک، تنها / کآرام می‌رباید از دشمن» (همان: ۳۰۴-۳۰۵).

وی حماسه فلسطین را بزرگ‌تر از آن می‌داند که با کلمات و شعر توصیف گردد؛ از این‌رو، انتفاضه فلسطین همراه با ریخته شدن خون و به آتش کشیده شدن خانه‌هایی است که موجب آوارگی این ملت مظلوم می‌شود و ایستادن در برابر این آتش و خون، کار کسانی است که به حق، عظیم‌ترین حماسه‌آفرینان دوران معاصرند.

علی فوده نیز حماسه فلسطین را این‌گونه توصیف می‌کند:

«الحجرُ الأسود؟ / الحجرُ الأبيض؟ / الحجرُ الأخضر؟ / الأزرق الصُّفْر؟ / لا تندبُ حطَّك يا قَوْسَ فُنْحٍ / إِنِّي أَهْوَى لَوْنًا
أَخْرَ فِي حَجَرٍ آخَرَ / إِنِّي أَهْوَى حَجَرَ الْفُرْبَاءِ الْمَبُودِينَ / حَجْرًا لِامْرَأَةٍ رَانَعَةٍ تُدْعَى زورًا «إسرائيل» / وهي فلسطین!» (۲۰۰۳: ۲۱۶)

(ترجمه: سنگ سیاه؟ نه / سنگ سفید؟ نه / سنگ سبز؟ نه / سنگ زرد؟ نه / ای رنگین کمان بر اقبالت گریه نکن / من رنگ دیگری را در سنگ دیگری دوست دارم / من سنگ کسانی که در غربت هستند و دور انداخته شده‌اند را دوست دارم و سنگ زنی زیبا که به دروغ، «اسرائیل» خوانده می‌شود و نام اصلی آن همان فلسطین است.)

از دیدگاه فوده، پیروزی فلسطین تنها با مبارزه چندین نفر حاصل نمی‌شود؛ از این‌رو، او در شعر خود، به دنبال متحد کردن آوارگان با سایر اقشار جامعه است و این همان انتفاضه‌ای است که می‌تواند عظیم‌ترین حماسه را به رخ تمام جهانیان بکشد. هر دو شاعر موضوع حماسه عظیم ملت فلسطین و انتفاضه را به تصویر کشیده‌اند و آن را مهم‌ترین ابزار برای مقابله با استکبار بیان نموده‌اند.

۲-۱-۶. پایداری، پل پیروزی

اگرچه مردم فلسطین شکست‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ را پذیرفته و انتفاضه آنان دچار زخم‌های متعدّد شده است؛ ولی آن‌ها همواره پایداری را، تنها راه پیروزی یافته، اقدام به حرکت‌های مردمی کرده و هرگز این جنبش اسلامی در عرصه فلسطین خاموش نشده است (ر.ک: سلیمان، ۱۳۷۶: ۲۹-۳۱). تأثیر شاعران در این مقاومت کمتر از ملت فلسطین نبوده است؛ چراکه آنان با شعرشان در راستای تلاش برای زنده نگه‌داشتن روحیه مقاومت فلسطینیان گام برداشته‌اند:

امیدوار به پیکار و گرم‌دل می‌باش / که دشمن تو هم از بیم یورش نغنود
ز پایمردی تو جسم خصم در لوزه / ز پایداری تو، کام خصم زهر آلود

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۳: ۳۱۶)

فوده، مشکلات و موانع راه پیروزی را می‌بیند و هرگز آن‌ها را انکار نمی‌کند؛ به وجود زمستان، بدبختی، مرگ و دیگر موانع اعتراف می‌کند، ولی ناامید نمی‌گردد و صبر را کلید گشایش می‌داند:

«كَانَ الرَّبِيعُ وَالشَّتَاءُ/ وَالصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ/ وَالْمَوْتُ وَالشَّقَاءُ/ وَالصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ» (۲۰۰۳: ۶۷).

(ترجمه: بهار و زمستان برای همیشه قرین همدیگر بودند/ و شکیبایی، کلید گشایش است/ مرگ و بدبختی وجود دارد/ ولی صبر و شکیبایی تنها راه رهایی است.)

وی امیدواری و پایداری را یکی از مهم‌ترین عوامل برای ناکام گذاشتن دشمنان فلسطین می‌داند؛ چراکه با وجود مقاومت است که صهیونیسم احساس نگرانی کرده و آسایش او به ترس تبدیل می‌شود:

«وَأَمِّي «يَاسْمِينَةُ».../ تَعْرِفُ الْاَيْتَامَ وَالشُّهَدَاءَ فِي «قَتِيرٍ».../ تَعْرِفُهُمْ/ وَتَعْرِفُ كَيْفَ بَاعَتْ خَاتَمًا، حَلَقًا وَاسْوَارًا/ لِتَصْنَعَ مِنْ بَنَاتِ الْجِبِلِ ثَوَارًا/ وَتَعْرِفُ كَيْفَ تَضْرُمُ ثَوْرَةَ كُبْرَى...» (همان: ۱۲).

(ترجمه: مادرم «یاسمین» نام دارد.../ او یتیمان و شهیدان «قَیْر» را می‌شناسد... همه آن‌ها را به خوبی می‌شناسد/ و خوب می‌داند که چگونه انگشترها، زیورآلات و دستبندها را فروخت/ تا از محل درآمد آن، از نسل نوظهور، انقلابی‌ها و رزمندگان بسازد/ و می‌داند که چگونه انقلابی بزرگ ایجاد می‌کند.)

وی بیان می‌کند که ملت فلسطین، برای ادامه مقاومت از جان و مالشان خواهند گذشت و نسلی را پرورش خواهند داد که انقلابی عظیم برپا می‌کند و صهیونیسم را ریشه کن خواهد نمود.

هر دو شاعر از ادامه مقاومتی سخن می‌گویند که ملت، آن را از گذشتگان به ارث برده و برای آیندگان به ارث خواهند گذاشت و معتقدند که ادامه مقاومت تنها راه مقابله با استکبار است.

۲-۱-۲. عدم اتحاد مسلمانان

یکی از عواملی که منجر به شکست‌های متعدّد فلسطینیان در برابر صهیونیست‌ها شده، عدم اتحاد آن‌ها با دیگر بلاد اسلامی است. موسوی گرمارودی و علی فوده، در اشعارشان از بیداری امت‌های اسلامی یاد می‌کنند و هشدار می‌دهند که اگر کشور فلسطین زیر سلطه باشد، موقعیت سایر مسلمانان نیز به خطر خواهد افتاد:

ألا زمین فلسطین بلند باد نامت
که گر پیرسیم از یاری و مسلمانی
زبانم ارچه نیارد ز شرم گفت درود
کجا ز شرم توام هیچ می‌توان آسود؟

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۳: ۳۱۵).

وی فلسطین را با جان و دل می‌ستاید، ولی از ستایش خود خرسند نیست؛ چراکه در عمل نتوانسته کاری برای فلسطین انجام دهد. او در این شعر از مسلمانان می‌خواهد، مسلمان بودن خود را فراموش نکنند؛ چراکه از دست دادن فلسطین یعنی از دست دادن اسلام.

فوده در این مورد می‌گوید:

«الدَّمُّ... الدَّمُّ/ وَأَغْلَقْتُ الْمُدُنَ الْمَفْتُوحَةَ... نَافِذَةً نَافِذَةً/ الدَّمُّ.. الدَّمُّ/ وَمَا رَدَّ الْعَجْمُ وَلَا الْأَعْرَابُ...» (۲۰۰۳: ۲۰۵-۲۰۶).

(ترجمه: خون... خون / شهرهای فتح شده، یکی پس از دیگری بسته شدند / خون... خون / و عجم و عرب در برابر این مسئله، هیچ واکنشی از خود نشان ندادند...)

شاعر خود را در غربتی یافته است که ملت‌های عرب و کشورهای مسلمان، شاهد ریخته شدن خون فلسطینیان مظلوم هستند، ولی در برابر این امر، هیچ واکنشی از خودشان نشان نداده و نمی‌دهند. هر دو شاعر بیان می‌دارند که فقط در سایه اتحاد کشورهای اسلامی است که پیروزی نهایی حاصل خواهد شد.

۲-۱-۸. فلسطین دروازه عبودیت و مقاومت شرق

فلسطین را از لحاظ سیاسی، جغرافیایی و دینی می‌توان دروازه شرق دانست که از اهمیت والایی در میان مسلمانان برخوردار است؛ از این رو، همواره کشورهای اسلامی، بر آزادی آن از چنگال استکبار تأکید داشته‌اند (ر.ک: صفاتاج، ۱۳۸۱: ۱۵). گرمارودی فلسطین را دست خسته شرق معرفی می‌کند که با پایداری‌اش، شرق را از استبداد نجات خواهد داد:

که پاسدار همه شرق در برابر غرب	تو و چریک تو بوده ست و نیز خواهد بود
تو دست خسته شرقی در آستین زمان	کنون به دست تو باید که روی خصم شخود
برای شرق بمان سال‌های دیرادیر	به پاسداری از حق، به فتح زودا زود

(۱۳۸۳: ۳۱۵-۳۱۶)

گرمارودی فلسطین را مدافع و نگه‌دارنده شرق از سلطه غرب و صهیونیسم می‌داند که اگرچه در جنگ تنها مانده است، ولی فلسطینیان با عزم و اراده قوی می‌توانند تمام شرق را نجات دهند. فوده، همه دنیا را در تلاش برای تسخیر فلسطین می‌بیند؛ چراکه این سرزمین، از لحاظ سیاسی، دینی و جغرافیایی، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و برای ادیان اسلام، یهود و مسیحیت بهترین موقعیت را داراست (ر.ک: هاشمی، بی تا: ۱۱) وی می‌گوید:

«بِلَادِي مَوْطِنُ الطُّوفَانِ / مَقْبَرَةُ الْغُرَاةِ / الشَّرْقُ يَعْبُدُهَا / وَغَيْرُ الشَّرْقِ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ / الْمَوْتُ فِيهَا جَنَّةٌ / اللَّهُ مَا أَحْلَى الْمَمَاتِ! ...» (۲۰۰۳: ۱۵).

(ترجمه: کشورم سرزمین طوفان / و بارگاه قهرمانان است / نه تنها شرق / بلکه از همه جهت آن را عبادت می‌کنند / مرگ در سرزمین من، ورود به بهشت است / مردن چقدر شیرین است...)

۲-۱-۹. شجاعت مردم فلسطین و تشویق آنان به مبارزه

ادیان می‌توانند روح مبارزه‌جویی را در دل مردم ایجاد نمایند و آنان را به مبارزه و دفاع از سرزمین خود سوق دهند. شاعران «نقش پررنگی در پیدایش ادبیات مقاومت دارند و از ادبیات برای تشویق مردم به دفاع از ارزش‌های ملی و دینی استفاده می‌کنند.» (ر.ک: سیدی و سالم، ۱۳۹۰: ۳) موسوی گرمارودی، همواره

ایثارگری‌ها در راه دفاع از فلسطین را ستوده و از تشویق به ادامه آن سخن گفته است:

به چابکی چریک تو نیست مانندی
مگر عقاب سبکبال، گاه اوج و فرود
به دشت، حمله مردان رزمی تو بود
چنان چو پهنه دریا و موج خشم آلود
خروش و حمله کن و کینه ورز و آتش زن
که داس کینه تواند سپاه خصم درود

(۳۱۶:۱۳۸۳)

در شعر فوده نیز این موضوع قابل ملاحظه است:

«يا وَطَنِي - وَيَسْهُرُ الْجُنُودُ/ خَنَاجِرَ الرِّغْبَةِ فِي الْمَوْتِ، يَطُوفُ الطُّوفَانُ/ تَشْتَعِلُ التِّيرَانُ، يَصْهَرُ الْجَلِيدُ/ وَتَشْرَعُ الْبِنَادِقُ الْمُحِبَّاتُ/
لِلسُّوسِ وَالْجُرْدَانِ/ يَا وَطَنِي! ...» (۲۰۰۳: ۴۱۰-۴۱۱).

(ترجمه: ای وطنم - سربازان خنجرهای میل به مرگ را بیرون کشیدند، طوفان وزیدن می‌گیرد، / آتش‌ها شعله‌ور و
یخ‌ها ذوب می‌شود / و تفنگ‌های پنهان برای حشره بید و موش بیرون می‌آیند / ای وطنم! ...)

وی انگیزه ادامه حیات فلسطینیان را انتقام گرفتن از صهیونیست‌ها می‌داند:

«يَعِيشُ، يَعِيشُ حَتَّى يَأْخُذَ الثَّأْرَ...» (همان: ۱۲)

(ترجمه: کودک فلسطینی زندگی می‌کند، زندگی می‌کند تا انتقام بگیرد...)

۲-۱-۱۰. امید به آزادی و پیروزی فلسطین

از دیگر جلوه‌های پایداری در شعر گرمارودی و فوده، امید به آزادی فلسطین است. آن‌ها می‌کوشند تا روحیه امید به آینده روشن را در قلب ملت فلسطین زنده نگه دارند. در سال ۱۹۶۷ م و به دنبال شکست دوباره اعراب، ناامیدی بزرگی در مردم به وجود آمد؛ ولی شاعران تمام تلاش خود را برای روشن کردن شعله‌های امید به کار گرفتند تا امید دوباره در مردم شکوفا شود (ر.ک: کدیور، ۱۳۷۵: ۱۴). گرمارودی، زبان این امید و پیروزی می‌گوید:

درود گوی و ثنا خوان جاودانه توست
اگرچه زمزمه باد و گرچه نغمه رود
تو و چریک تو را از لبان آزادی
همیشه باد سلام و هماره باد درود

(۳۱۶:۱۳۸۳)

علی فوده در این مورد چنین می‌سراید:

«أرى الطُّيُورَ/ جَائِئَةً فِي غَايَةِ الْحُرْنِ تُغَيِّبُ الْإِنْتِصَارَ...» (۲۰۰۳: ۴۱۹)

(ترجمه: پرندگان را می‌بینم / که در نهایت اندوه بر زمین افتاده و آواز پیروزی سرمی‌دهند.)

وی در جای دیگر می‌گوید:

«بُشْرَاكُم طَلَعَ التَّهَارِ/ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ بِنِنَا/ الْفَجْرُ هَلَّ عَلَيْكُمْ بَعْدَ انْتِظَارٍ/ وَالْبَدْرُ أَشْرَقَ فِي السَّمَاءِ...» (همان: ۴۶).

(ترجمه: شما را به فرارسیدن روز بشارت می‌دهم / عیسی پسر مریم در میان ماست / سپیده پس از انتظار بر شما می‌تابد / و ماه در آسمان می‌درخشد...)

وی در ابتدای شعرش هرچند ناامیدی مردم را به تصویر می‌کشد، ولی در ادامه، آواز پیروزی سر می‌دهد و زندگی سعادت‌مند، همراه با استقلال و آزادی را به هم‌وطنان خود نوید می‌دهد.

۲-۱۱. ستایش مبارزان راه آزادی

پرداختن به مبارزان و شهیدان راه آزادی، به عنوان رسالتی عمومی در شعر گرامرودی و فوده نمایان است. گرامرودی تمام عناصر طبیعت را برای مبارزه و مقاومت آماده می‌بیند و به توصیف و ستایش آنان می‌پردازد:

سلام بر همه خیمه‌های ابر کبود	درود بر همه موج‌های خشم‌آلود
که جاری همه نهرهای سرکش و تند	به خلوت همه دره‌های ژرف درود
به رادمردان کوتاه آذرخشش	به غرّش و تپش تندر لجوج و عنود
به برفراشته رایات نخل‌ها که سحر	شود ز بوسه رنگین مهر، خون‌آلود

(۱۳۸۳: ۳۱۵)

گرامرودی پیروزی ملت فلسطین را در وجود مبارزان و رزمندگان فلسطین می‌داند: «وقتی که برگ‌های زیتون / در تپه‌های فلسطین / دوباره شکوفا شوند / چشمان تو آفتابی خواهد بود / که زیتون را بارور می‌کند...» (۱۳۶۳: ۳۸)

فوده نیز این‌گونه هم‌وطن مبارزش را می‌ستاید:

«أنا من أمةٍ أياهما تشهد / مفاخرها / وعهدُ النصر في تاريخها يشهد...» (۲۰۰۳: ۹۲).

(ترجمه: من از ملتی هستم که تمامی ایام آن، آکنده از افتخارات است / و دوران پیروزی این ملت، ملامال از مفاخر است.)

«تَطَّلِعُ مِنْ ذَاكِرَةِ اللَّيْلِ الدَّامِيَةِ / يَا بَاجِسُ! / تَطَّلِعُ مِنْ أَنْفَاسِ الْحَرِّ الْأَلْهَبِ، مِنْ خَلْجَاتِ الْبَرْدِ الْقَارِسِ / يَا بَاجِسُ! / تَطَّلِعُ دَالِيَةَ / أَوْ قُبْلَةَ...» (همان: ۲۶۸-۲۶۹)

(ترجمه: تو از حافظه شب خونین طلوع می‌کنی / ای باجس! / از نفس‌های گرم شعله‌ور / از درون سرمای سوزناک طلوع می‌کنی / ای باجس! / غضبناک / یا همچون بمبی طلوع می‌کنی.)

او از مبارز فداکاری یاد می‌کند که با ظهور دوباره‌اش، موجب نابودی دشمن غاصب خواهد شد و امید به مبارزه و روحیه فداکاری و ایثارگری را در میان آنان به اوج خواهد رساند.

هر دو شاعر در تجلیل از مبارزان راه آزادی، آنان را الگویی معرفی می‌کنند و ستایش مبارزان راه

آزادی، از روحیه آزادگی این شاعران در برابر حکومت‌های خودکامه سرچشمه می‌گیرد.

۲-۱-۱۲. انتقاد از خائنان راه آزادی

گرمارودی، سکوت کسانی که وضعیّت اسف‌بار فلسطین را می‌بینند، اما در برابر جنایات استکبار اقدامی نمی‌کنند، نوعی خیانت تلقی می‌کند و از جنبش‌های مختلف که مسیر سازش را انتخاب کرده‌اند، انتقاد می‌نماید:

به ساکت همه صخره‌های بی‌نامی که خفته‌اند پراکنده بر سواحل رود
تورفته‌ای عرفات و تمام سعی تو، این چریک یاسر، یک جبهه دگر بگشود

(۳۱۵:۱۳۸۳)

فوده نیز خیانت دوستان و رهبران جامعه فلسطین را این‌گونه بیان می‌دارد:

«أَصْدِقَاءُ السَّوِّءِ مَرُّوا خَلْفَ بَابِي / لَمْ يُبَالُوا بَعْدَابِي / أَمْسَ مَرُّوا / سَرَفُوا جِيبي وَقَلْبِي وَشَبَابِي / ثُمَّ رَاخُوا!!! ...» (۲۰۰۳: ۱۴۱).

(ترجمه: دوستان بد از در خانه‌ام گذشتند/ به رنجش من توجهی نکردند/ دیروز گذشتند/ پول و قلب و جوانی مرا دزدیدند/ سپس رفتند!...)

شاعر دوستانی را به تصویر می‌کشد که عذاب و گرسنگی او را نمی‌بینند و هویت و شرافت عربی‌اش را زیر پا می‌گذارند و نه تنها به او، بلکه به خود و کشورشان نیز خیانت می‌کنند.

۲-۱-۱۳. مبارزه با یهودی‌سازی

یهود، سعی در فروپاشی دین اسلام دارد و در انجام این کار از هیچ توطئه‌ای دریغ نمی‌ورزد. شهرک‌سازی‌های آن‌ها در سرزمین اشغالی، از بین بردن آثار اسلامی و تفرقه‌افکنی میان مذاهب اسلامی، از نمونه‌های بارز این امر است. (ر.ک: صفاتاج، ۱۳۸۱ الف: ۳۴). خطر یهودی‌سازی، نگرانی شاعران زیادی را برانگیخته است و در اشعار خود این خطر را به مسلمانان هشدار داده‌اند (ر.ک: روزبهانی، ۱۳۸۹: ۵۹).

گرمارودی نیز از این مسئله مستثنی نمانده است:

بیارای همه آسمان دیده من که هیچ عقده دیرینه دلم نگشود
بر آن سترگ دلیران قهرمان، بگری که خون خویش فشانند در نبرد یهود

(۳۱۵:۱۳۸۳)

فوده در این مورد می‌گوید:

«أَتَنْتَظِرِينَ خَلْفَ الْبَابِ؟ «خَشِي يَا...»، أَتَنْتَظِرِينَ؟ / «خَشِي يَا...» لِيُهَدِّمَ مَا بَنَاهُ الْعَنْكَبُوتُ هُنَا بِرُكْنِ الدَّارِ مُنْذُ سِنِينَ!» (۲۰۰۳: ۳۳۷).

(ترجمه: آیا از پشت در، انتظار می‌کشی؟ «ترس ای...»، آیا انتظار می‌کشی؟ / «ترس ای...» تا پایه‌های خانه‌ای که

عنکبوت بنا کرده را ویران کنیم!

وی همچون گرمارودی قصد آگاه کردن مردم از گسترش یهودیت را دارد و هم‌وطنان خود را برای مبارزه با دشمن فرامی‌خواند. هردو شاعر با ذکر از «یهود» و «عنکبوت» در این شعرها، ادامه اشغال را پیش‌بینی کرده و جلوگیری از یهودی‌سازی را ندا می‌دهند.

۳. نتیجه

با توجه به پژوهش صورت گرفته، شاید مهم‌ترین تفاوت موسوی گرمارودی و علی فوده در فلسطینی بودن علی فوده باشد که در رنج و عذاب تبعید به سر برده است. فوده در شعرش از غربت و تبعید اجباری، بسیار غمگین است؛ از این رو، واژگان و جملات به کار رفته در شعرش، از نفسی رنج‌دیده حکایت دارد که بسیار تأثیرگذار است. حال آنکه، گرمارودی، به عنوان نماد شاعران مقاومت فلسطین در ایران، با آنکه خود انقلابی را تجربه کرده و مصیبت فراوان دیده، اما از آنجا که غیر فلسطینی است، شعرهایش در برابر اشعار فوده، تأثیر کمتری بر مخاطب دارد؛ اما مهم‌ترین شباهت‌های این دو شاعر، در حیطه مضامین پایداری عبارتند از:

۱. تعلق به وطن در شعر گرمارودی و علی فوده موج می‌زند. استبدادستیزی و بیرون رفتن غاصبان فلسطین از این سرزمین، از آرمان‌های این شاعران است.

۲. شاعران با به کار بستن انواع نمادهای حیوانی، به دنبال ترسیم چهره واقعی صهیونیست‌ها و به تصویر کشیدن ظلم و ستم آنان در حق مردم مظلوم فلسطین‌اند.

۳. در اشعار هر دو شاعر، از غفلت ملت عرب سخن به میان آمده و هردو، خواستار هشیاری آنان از خواب غفلت‌اند.

۴. ترسیم رنج و آوارگی ملت مظلوم فلسطین در شعر هر دو شاعر، می‌تواند پیام رنج فلسطینیان را به گوش جهانیان برساند.

۵. انتفاضه، به عنوان انقلابی همگانی، مورد توجه هر دو شاعر قرار گرفته است.

۶. سخن گفتن از قهرمانان و ذکر مفاخر ملی آنان و عدم همبستگی مسلمانان، از دیگر مضامین مشترک این دو شاعر است و هر دو ادیب در صددند روح مبارزه‌جویی را در انقلابیون به اوج برسانند.

۷. فلسطین در اشعارشان، دروازه عبادت مشرق‌زمین تلقی شده است.

۸. آنان همچنین به خطر گسترش یهودیت و شهرک‌سازی‌های صهیونیست‌ها که نشان از اهداف شوم آنان برای از بین بردن اسلام است، هشدار می‌دهند.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) فوده در سال ۱۹۴۶ م در «حيفا» به دنیا آمد. دو ساله بود که اسرائیل از طرف سازمان ملل به رسمیت شناخته شد و از همان زمان، آوارگی و تنگدستی را تجربه کرد (ر.ک: میرقادری و کیانی، ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰: ۶۱۸). پس از شکست ۱۹۴۸، با خانواده‌اش به کرانه باختری رود اردن رفت و تا ۱۹۶۷، در آنجا به سر برد؛ سپس با خانواده‌اش به «طولكرم» رفت (ر.ک: همان: ۶۱۸-۶۱۹)

سال ۱۹۶۹، مجموعه شعر «فلسطینی کحدّ السیف» را چاپ و منتشر کرد. (ر.ک: ابراهیم خلیل، ۲۰۰۵: ۷۶-۸۱ و www.alifodeh.com) در سال ۱۹۷۳، به انجمن نویسندگان «اردنی» پیوست و در سال ۱۹۷۶ به بغداد رفت. سال ۱۹۸۱، مجله «الزّصیف» را با همکاری برخی از دوستانش منتشر کرد و سرانجام در سال ۱۹۸۲ به شهادت رسید (ر.ک: میرقادری و کیانی، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰: ۶۱۹)

(۲) سید علی موسوی گرمارودی در سال ۱۳۲۰، از پدری «الموتی» و مادر «تنکابنی» در محله «چهارمردان» قم به دنیا آمد. در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور مؤثر داشته است که راه اندازی و مدیریت «گلچرخ»، نمونه‌ای از تلاش‌های اوست. عبور، در سایه‌سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دست‌چین، باران اخم، گزیده شعر نیستان تا ناکجا آباد، صدای سبز زندگی، از صدر تا ساقه و ترجمه قرآن کریم از آثار اوست (ر.ک: گرمارودی، ۱۳۸۳: ۱۸) در پنج سالگی نزد پدرش، حجّت الاسلام سید محمد موسوی گرمارودی، خواندن و نوشتن آموخت و سپس قرآن کریم و کتاب‌هایی چون گلستان سعدی، خمسه نظامی و... را از پدرش آموخت. از ۱۹۷۷، به سرودن شعر مشغول شد. در جریان انقلاب همراه با «طاهره صفارزاده» برای تأسیس «کانون فرهنگی نهضت» گام برداشت و اشعار بسیار زیبایی را در حمایت از فلسطین و موضوع مقاومت سرود (ر.ک: گرمارودی، ۱۳۸۳: ۵۷۱-۵۸۰). «گرمارودی دارای شعری منسجم و روان است، وی به خاطر دارا بودن اسلوبی مستقل که از علائم آن وجود زبانی فعال در کنار محتوایی برونگرا است تا کنون استقلال زبان خود را حفظ کرده است. در شعر او بیشتر محتوا جریان دارد تا کلمه و تصویر» (میرجعفری، ۱۳۷۶: ۱۵-۱۶).

کتابنامه

الف: کتاب‌ها

۱. اسوار، موسی (۱۳۸۱)؛ پیشگامان شعر امروز عرب، چاپ اول، تهران: سخن.
۲. حلمی، مرزوق (۱۹۸۳)؛ الواقعیة والرّومانتيکیة فی الأدب، بیروت: دار التّهضة الأدبیة.
۳. روزبهانی، محبوبه (۱۳۸۹)؛ قسم به نخل قسم به زیتون، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۴. سلیمان، خالد (۱۳۷۶)؛ فلسطین و شعر معاصر عرب، ترجمه شهره باقری و عبدالحسین فرزاد، چاپ اول، تهران: چشمه.
۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ شعر معاصر عرب، چاپ دوم، تهران: سخن.
۶. شکر، عالی (۱۳۶۶)؛ ادب المقاومة، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران: نشر نو.
۷. صفاتاج، مجید (۱۳۸۱ الف)؛ ماجرای فلسطین و اسرائیل، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. ----- (۱۳۸۱ ب)؛ انتفاضه الأقصى قیام دوزخیان سرزمین مقدس، چاپ اول، [بی‌جا]: جمعیت دفاع از ملت فلسطین.
۹. صمود، حمادی (۱۹۹۵)؛ الشعر العربي المعاصر فی تونس، هیئة المعجم، معجم الباطین، الطبعة الأولى، بیروت: نشر عبدالعزیز مسعود الباطین.
۱۰. فوده، علی (۲۰۰۳)؛ الأعمال الشعریة الكاملة، الطبعة الأولى، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.

۱۱. کدیور، جمیله (۱۳۷۵)؛ **انتفاضة حماسه مقاومت فلسطين**، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
۱۲. کنفانی، غسان (۱۹۶۶)؛ **أدب المقاومة في فلسطين المحتلة**، بیروت: دار الطلیعة.
۱۳. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۶۳)؛ **خطّ خون**، چاپ اول، تهران: زوآر.
۱۴. ----- (۱۳۸۹)؛ **خواب ارغوانی (شعر دفاع مقدس)**، چاپ اول، تهران: سوره مهر.
۱۵. ----- (۱۳۸۳)؛ **صدای سبز**، چاپ اول، تهران: قدیانی.
۱۶. میرجعفری، اکبر (۱۳۷۶)؛ **حرفی از جنس زمان**، تهران: قو.
۱۷. هاشمی، اکبر (بی تا)؛ **اسرائیل و فلسطين**، [بی جا]: جهان آرا.

ب: مجلات

۱۸. ابادری، زهرا و وجیهه ترکمانی (۱۳۹۴)؛ «بررسی تلمیح در اشعار سید علی موسوی گرمارودی و محمد علی معلم دامغانی»، **زیبایی‌شناسی ادبی**، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۴۷-۷۲.
۱۹. روشنفکر، کبری و کاظم عظیمی (۱۳۸۶)؛ «ابراهیم طوقان پایه گذار شعر مقاومت»؛ **مجله الجمعية الإيرانية للغة العربیة**، دوره سوم، شماره هشتم، صص ۱۱۷-۱۳۹.
۲۰. سیدی، حسن و شیرین سالم (۱۳۹۰-۱۳۹۱)؛ «جلوه‌های پایداری در سروده‌های فدوی طوقان»، **نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان**، سال سوم، شماره پنجم، صص ۱۸۵-۲۰۸.
۲۱. میرقادری، فضل‌الله و کیانی حسن (۱۳۸۹-۱۳۹۰)؛ «کرامت نفس در آینه شعر شهید علی فوده شاعر مقاومت فلسطین»، **نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان**، سال ۳ و ۴، شماره سوم، صص ۶۱۱-۶۴۴.
۲۲. نجاریان، محمدرضا (۱۳۸۸)؛ «بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در شعر محمود درویش»، **نشریه ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان**، سال اول، شماره اول، صص ۲۰۱-۲۲۲.

ج: پایان‌نامه

۲۳. بصیری، محمّدصادق (۱۳۷۶)؛ **سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از مشروطه تا ۱۳۲۰ هـ ش**، استاد راهنما: تقی پورنامداریان، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

بحوث في الأدب المقارن (فصلية علمية - محكمة)

كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه

السنة السابعة، العدد ٢٧، خريف ١٣٩٦ هـ. ش / ١٤٣٩ هـ. ق / ٢٠١٧ م، صص ٤٥-٤٣

فلسطين في شعر سيد علي موسوي گرمارودي وعلي فوده^١

حسين تکتبار فيروزجاني^٢

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة قم، إيران

علي عادي^٣

المجستير في فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة قم، إيران

الملخص

في الظروف السياسيّة والاجتماعيّة التي يعيشها الناس في الشرق الأوسط، قد احتلّ أدب المقاومة - كفرع من الأدب الملتزم - مكانة خاصّة في مختلف اللّغات ولاسيّما اللّغتين العربيّة والفارسيّة. ومن أبرز أمثلة هذا الأدب هو أدب مقاومه الفلسطينيين الذي هو نتيجة لعوامل الظلم والعدوان والطّغيان والقهر وغيرها من قضايا تتعلّق بالصّبر والصّمود والبطولة التي سجلتها مقاومة المقاتلين. شعراء مثل علي موسوي گرمارودي وعلي فوده الذين وقفا جنباً إلى جنب الأدباء واختاروا الشّعر والقلم بدلاً من السيّف والأدوات الحربيّة ليصوِّروا حياة الفلسطينيين المقاومين المضطّهدين ولينجزوا عبر هذه الآلية ما يقع على عاتقهم من المسؤوليّات؛ ولهذا يبدو من الضّروريّ التعرّف على خصائص أشعارهم. تحدف هذه الدّراسة وعبر المنهج الوصفي - التحليلي المقارن إلى تقييم مظاهر الصّمود والمقاومة في أشعارها ليكون بصيصاً من الأمل لمكافحي ساحة الصّمود. تشير النتائج إلى أنّ الشّاعرين يهتمّان بالإعلان عن هوية فلسطين والتعرّف عليها ورفع الظلم والعدوان عنها. إنّ توعية الجيل القادم، والدّعوة إلى المقاومة، ووصف أعداء فلسطين، ومحاربة التّهويد هي من أهمّ مضامينها الشعريّة؛ كما أنّهما يعتقدان أنّ التصرّ الحقيقي يكمن في لمّ شمل الفلسطينيين وصحوة الأمة العربيّة وصمودهم واستقرارهم.

الكلمات الدلّليّة: الأدب المقارن، أدب المقاومة، مقاومة فلسطين، علي موسوي گرمارودي، علي فوده.

١. تاريخ الوصول: ١٤٣٨/٨/٢٠

٢. العنوان الإلكتروني للكتاب المسؤول: h.taktabar@yahoo.com

٣. العنوان الإلكتروني: aliadel70@gmail.com

Archive of SID